

مؤلفه های سبک زندگی دینی از
دیدگاه مقام معظم رهبری



مؤلفه های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری

اندیشمندان، «سبک زندگی» را اغلب در دو حوزه شاخصه های نظری (ارزش ها و هویت) و شاخصه های عینی (مصرف و تفریح) مطالعه می کنند که مهم ترین این شاخصه ها، مصرف است. اما آیا در جامعه اسلامی که بر پایه ایمان به غیب و آخرت بنا شده، شاخصه های ۱۰ مصرف همان الگوهای غربی است؟ اگر چنین نیست، سبک زندگی در جوامع اسلامی با چه مولفه هایی مطالعه پذیر و مدیریت پذیر می شود؟ از آنجا که سبک زندگی ارتباطی وثیق با مقوله های فرهنگ، جامعه، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، مصرف و نیاز دارد و از سویی، پذیرش منفعلانه و تثبیت سبک زندگی غربی با خاستگاه سکولار آن برای جوامع مسلمان، موجب از دست دادن هویت و استقلال شخصیتی می شود، مطالعه درباره مؤلفه های سبک زندگی اسلامی اهمیتی دوچندان می یابد. پژوهش حاضر، اصلی ترین مولفه های سبک زندگی دینی را از دیدگاه رهبری در پنج حوزه اندیشه، خلاقیت فردی، خانواده، خلاقیت اجتماعی و کسب و کار به روش توصیفی و تحلیلی دسته بندی و ارائه می کند.

منبع: مهندسی فرهنگی «تابستان 1394 - شماره 84، امینی، نوروز / حلال خور، کوثر

الف) مقدمه

۱. طرح مسئله

سبک زندگی مجموعه ای از ارزش ها، طرز تلقی ها و سلیقه هاست که اغلب میان یک جمع ظهور می کند و شماری از افراد را صاحب نوعی سبک زندگی مشترک می سازد (مهدی زاده، ۱۳۹۰: ۵۷) و به آنها هویتی ویژه می بخشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶) و علاوه بر برآورده ساختن نیازهای انسان، روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خویش برمی گزیند، در برابر دیگران مجسم می سازد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). لذا سبک زندگی نمایان گر بخش عملی زندگی و زاینده انتخاب گری انسان است. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۷) سبک زندگی می تواند یکی از راهکارهای شناخت خودی از بیگانه نیز تلقی شود؛ چرا که سبب می شود افراد همسو و غیرهمسو از هم متمایز شوند (شایگان، ۱۳۸۴: ۱۴) و دقیقاً بر همین اساس است که هانتینگتون، [1] موفقیت سیاسی و تداوم جامعه آمریکایی را با وجود حضور افراد خارجی با اعتقادات و فرهنگ های متفاوت تنها در پرتو هویت بخشی و در یک کلمه «آمریکایی سازی» [2] آنها ممکن می داند؛ به این معنا که مردم، هر دین و مذهب و رنگ پوستی که دارند، فقط آمریکایی زندگی کنند (هادوی، ۱۳۹۱: ۴۲)؛ زیرا از آنجا که سبک زندگی، هویتی خاص به افراد و گروه ها می بخشد، می تواند در وحدت بخشی به افراد جامعه مؤثر باشد (توسلی، ۱۳۷۳: ۶۲). حال باید دید آیا داشتن هویت واحد، با وجود قومیت های گوناگون در کشور ما، برای ادامه حیات سیاسی و فرهنگی ملت ما نیز یک ضرورت است؟ پاسخ، مثبت است و در این میان، تنها عاملی که می تواند فارغ از قومیت ها و سلیقه ها، عامل وحدت همه سلاقی شود، اسلامیت است. لذا به اقتضای اسلامی بودن جامعه ایران، سبک زندگی آن هم باید ایرانی اسلامی شود.

از سوی دیگر، موضوع سبک زندگی معمولاً در دو حوزه شاخصه های نظری و عینی مطالعه می شود که در این میان، شاخصه های نظری آن را مطالعه ارزش ها و هویت و شاخصه های عینی آن را مطالعه الگوی مصرف و کالاهای مصرفی و الگوی تفریح تشکیل می دهد (مهدی زاده، ۱۳۹۰: ۵۸). با این وجود، مهم ترین شاخصه در مطالعات سبک زندگی، همان مصرف است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). حال پرسش این است که آیا در جوامع اسلامی، که بر خلاف جوامع غربی، ایمان به غیب، یکی از لوازم آن است، شاخصه های الگوی مصرف همان شاخصه ها و الگوهای حاکم بر جوامع غربی است؟ اگر چنین است، پس چرا از سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی سخن می گوئیم؟ و اگر چنین نیست، سبک زندگی در جوامع اسلامی بر اساس چه مؤلفه هایی مطالعه پذیر و مدیریت پذیر می شود؟

۲. پیشینه نظری و عملی پژوهش

مسئله سبک زندگی از موضوعات نوظهور در مطالعات اجتماعی است. ظاهراً نخستین بار آلفرد آدلر [3] در سال ۱۹۲۹، اصطلاح «سبک زندگی» را برای اشاره به شخصیت اصلی فرد که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی نیز واکنش ها و رفتار او را کنترل می کند، به کار برده است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴). پس از او با ورود این مفهوم به ادبیات جامعه شناسی، در آغاز این مفهوم به عنوان معرف موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد تلقی شد (همان: ۶۵)، اما پس از جنگ جهانی دوم و در آغاز دهه ۱۹۵۰ میلادی، در پی دگرگونی های وسیع در وضعیت تجاری کشورهای اروپایی و با افزایش صادرات آنها و در پی آن بهبود وضعیت رفاهی مردم و تغییر در میزان تقاضای خرید بین المللی و مصرف داخلی، توجه به مسئله سبک زندگی ابعاد دیگری یافت؛ تا جایی که در جوامع غربی «چگونه مصرف کننده بودن» از «چه جایگاهی داشتن» مهم تر شد (همان: ۶۶)؛ به بیان دیگر مصرف گرایی به دین جوامع مدرن تبدیل شد. (باکاک، ۱۳۸۱: ۳)

از دهه ۱۹۸۰ با فرایند روبه فزونی «فردگرایی» از یک طرف و رشد طبقه متوسط جوامع و افزایش افراد تحصیل کرده ای که آشکارا به سوی اوقات فراغت، سرگرمی و مصرف گرایی داشتند، از سوی دیگر و نیز با افزایش بحث های دانشگاهی و علمی درباره پست مدرنیسم که ظهور ارزش ها، نگرش ها و سبک های زندگی جدید در آن نقشی اساسی دارد، مقوله سبک زندگی نیز وارد فاز جدیدی شد و به مثابه مفهومی که نشان دهنده رویکرد تحلیلی تازه ای به مبحث قشر بندی و تمایز اجتماعی بود، در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد (فاضل فانج، ۱۳۹۱: ۱۲). اندیشمندانی نظیر گیدنز [4] و فدرستون [5] سبک زندگی را شکل اجتماعی نوینی می دیدند که صرفاً در بطن تحولات فرهنگی دنیای مدرن و رشد فرهنگ مصرف گرایی، استقلال عمل فردی و آزادی های افراد برای انتخاب قابل فهم است و می تواند فرایند هویت بخشی به فرد را انجام دهد و جایگزینی برای مفهوم طبقه اجتماعی باشد (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). امروزه اندیشه های مدرن و پست مدرن با مقوله مصرف و سبک زندگی پیوندی عمیق یافته و اندیشمندان این حوزه ها معتقدند که در تحلیل های جدید باید به مصرف و سبک زندگی توجهی ویژه مبذول داشت. (مهدی زاده، ۱۳۹۰: ۵۷)

در باره سبک زندگی در ایران و در دوره پس از انقلاب، باید گفت جامعه ایرانی نیز به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، بسیار متنوع است. در واقع با پایان یافتن جنگ تحمیلی کم کم شاهد تأثیرپذیری بیشتر مردم از جریان های جهانی و تحولات بین المللی بوده ایم و این امر به تدریج بر سبک زندگی مردم نفوذ کرده، باعث ظهور جامعه مصرفی و شیوه های زندگی جدید شده است. (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹)

سبک زندگی دینی و اسلامی به تبع بحث سبک زندگی، از مباحث جدید در علوم اجتماعی است. بر این اساس، هم از جهت نظری و هم تحقیقاتی، پیشینه ای چندان قوی ندارد؛ به ویژه در موضوع سبک زندگی اسلامی که معدودی کتاب و چند مقاله، همه داشته های ما در این حوزه را شامل می شود.

۳. ضرورت و اهمیت مسئله

در طول تاریخ اقتضائات زندگی مدرن به تدریج شرایطی را پدید آورد که دانشمندان علوم اجتماعی بیش از پیش به الگوهای خاصی برای زندگی اندیشیدند. شرایطی از قبیل کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و فراهم شدن اوقات فراغت بیشتر برای بخش زیادی از بدنه اجتماع در قرن بیستم، الگوهای خاصی از کار، مصرف و گذراندن اوقات فراغت را به وجود آورد (فاضل فانع، ۱۳۹۱: ۱۰). از این رو، سبک زندگی ارتباطی وثیق با مقوله های فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، تولید، مصرف، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز تلاشی گسترده برای ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی است که خاستگاه آن فرهنگ سکولار غربی است. پذیرش منفعلانه این سبک از زندگی برای جوامع مسلمان، نه تنها شایسته نیست، بلکه آثار زیانبار بسیاری، چون از دست دادن هویت و استقلال شخصیتی را دارد. از این رهگذر است که می توان ضرورت مسئله سبک زندگی را به وضوح تبیین کرد.

پژوهش حاضر در صدد است تا پاسخ مهم ترین مسائل مطرح شده در سطور پیشین را با تأکید بر بیانات رهبری ارائه کند. در این راستا، پس از بحثی مقدماتی درباره مفاهیم «سبک زندگی» و «سبک زندگی دینی»، اصلی ترین مؤلفه های سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری به عنوان سراندار حکومت اسلامی در عصر حاضر در پنج حوزه بینش ها و جهان بینی، الگوهای رفتاری فردی، خانواده (ارزش ها و ترجیحات)، روابط اجتماعی و کسب و کار (جنبه های عینی سبک زندگی) دسته بندی و ارائه شده است.

روش تحقیق، آمیخته ای از توصیف و تحلیل است؛ شالوده اصلی بحث بر بیانات مقام رهبری استوار است، اما به فراخور موضوعات مطروحه، از تحلیل های متنی، دینی و اجتماعی نیز بهره گرفته شده است.

ب) تعاریف و اصطلاحات پژوهش

۱. سبک زندگی

سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل ها و الگوهای کنش های فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش ها و واکنش های فرد و جامعه است. (آچپلی و بپگی، ۱۳۹۲: ۸۸) دانشمندانی چون ماکس وبر [6] و زیمل [7] در سال های پایانی قرن بیستم، از مجموعه ای از رفتارها سخن گفتند که فرد یا گروه بر اساس انگیزه های درونی خود و در راستای تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی خود برگزیده است (فاضل فانع، ۱۳۹۱: ۱۲). دگرگونی های گسترده در قرن بیستم، چرخش رویکرد جامعه شناسان را در تحلیل ها از مقوله تولید به مصرف و از اقتصاد به حوزه فرهنگ موجب شد. همین امر سبب شد به تدریج تحلیل ها عوض شده، مفهوم «سبک زندگی» جایگزین مفهوم «طبقه» و مشتقات آن شود. در این وضعیت اجتماعی، افراد فارغ از تعلقشان به یک طبقه خاص، می کوشند تا با اتخاذ الگوهای رفتاری خاص، به ویژه در حوزه مصرف، هویتی دلخواه از خویشتن تعریف کنند. این امر نشان می دهد سبک زندگی ناشی از فرایند جامعه پذیری و آموزش و متأثر از موقعیت فرد در محیط اجتماعی است. لذا اندیشمندان در مطالعه سبک زندگی، به تدریج از رفتارهای عینی به سوی

جنبه های ذهنی تر زندگی مثل نگرش ها و گرایش ها سوق یافتند (گپدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰)؛ زیرا در ورای بسیاری از رفتارهای انسان، طرز تلقی او از هویت اوست که خودنمایی می کند. بر این اساس «سبک زندگی»، مجموعه ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه ای از عادت ها و جهت گیری ها و بنابر این، برخوردار از نوعی وحدت است. (همان: ۱۲۱)

امروزه این اصطلاح، کاربرد گسترده ای یافته و دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را، اعم از الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش شامل می شود و حتی نگرش ها، ارزش ها و جهان بینی فرد و گروهی را که فرد عضو آن است، نیز بازمی نمایاند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷). اما آنچه با سبک زندگی پیوندی عمیق یافته، «مصرف» در تمام ابعاد و جنبه های آن است. بحث از سبک های زندگی در جامعه ای موضوعیت دارد که مصرف انبوه و فرهنگ مصرف گرایی در آن وجود دارد. این مصرف گرایی در جامعه ای رخ می دهد که در آن فزونی کالاهای مادی وجود دارد(همان)؛ پدیده ای که در عصر کنونی شاهد آن هستیم و همان گونه که گیدنز معتقد است، افراد در جامعه کنونی بیش از آنکه با دیگر انسان ها سر و کار داشته باشند، در محاصره اشیا هستند (گپدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۱) و از آنجا که هر مصرفی نیازمند قدرت خرید است، لذا باید سبک زندگی را در جوامعی جستجو کرد که در آن قدرت خرید باشد. از همین رو، عده ای معتقدند سبک زندگی در فرهنگ های سنتی رواج چندانی ندارد؛ زیرا مستلزم گزینش از میان تعداد زیادی انتخاب های پیش روست و این امکان در جوامع پیشامدرن وجود نداشت. (همان)

در مجموع، در تعریفی کلی از سبک زندگی می توان گفت که سبک زندگی مجموعه ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می تواند شامل دارایی ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن و دکوراسیون منزل و... باشد که امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده اند. همچنین می تواند در برگیرنده بینش ها(ادراکات، اعتقادات و جهان بینی) و گرایش ها(ارزش ها و ترجیحات) و... باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی اند. (برای مشاهده تعاریف مخ ف لئ و تحلیل های موجود پیرامون آنها، ر. ک: باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲)

2- سبک زندگی دینی

در یک نگاه کلی و در نسبت انسان، دنیا و جهان آخرت، سه نوع سبک زندگی کلی را می توان برای انسان متصور شد. نخست، سبک زندگی راهبانه که در آن، ترک دنیا و لذاپذ آن اساس اندیشه را تشکیل می دهد. این نگاه را شاید در غرب دوران قبل از رنسانس بتوان به صورت جدی مشاهده کرد. سبک زندگی دوم، سبک فلسفی کامجویانه از دنیاست که هیچ اعتقادی به آخرت ندارد و هدف انسان را کامجویی از دنیا قلمداد می کند و شاید سبک زندگی حاکم بر غرب کنونی همین دیدگاه باشد. دیدگاه سوم، دیدگاه اسلامی است که هم دنیا و هم آخرت را توأمان مد نظر دارد و یکی را پلی برای رسیدن به دیگری قلمداد می کند(شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۰). پس می توان گفت که سبک زندگی دینی، مجموعه ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است که در آن باور به جهان آخرت، به عنوان غایت خلقت و نگاه به دنیا، به عنوان پلی برای رسیدن به سعادت جاویدان اخروی، بن مایه همه بینش ها و گرایش هاست و به همه رفتارها و انتخاب های فرد و گروه، جهت می دهد.

۳. مفهوم سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری

از دیدگاه مقام رهبری، سبک زندگی در حقیقت همان «عقل معاش» است (دیدار جوانان، 23 /

1391 / 7) که در روایات از آن سخن رفته است. این موضوع در حقیقت؛ «نرم افزار تمدن اسلامی» است (همان). ایشان دو سبک کلی را برای زندگی تعریف کرده اند: سبک زندگی غیرتوحیدی، که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف گرایی، لذت گرایی و عرفی بودن دین حاکم است و سبک زندگی توحیدی، که در آن دستورات الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می پذیرد. (همان)

ج) مؤلفه های سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری

به طور کلی مؤلفه های سبک زندگی را در اندیشه رهبری می توان در پنج حوزه کلی ترسیم کرد که هر یک از این حوزه ها دارای مؤلفه هایی است که خطوط کلی زندگی یک مسلمان را ترسیم می کنند.

۱. مؤلفه های سبک زندگی دینی در حوزه فکر و اندیشه از دیدگاه رهبری

بی شک فکر و اندیشه هر انسانی، مهم ترین سرمایه اوست و در سطح کلان نیز تفکر و نحوه باورهای حاکم بر هر جامعه ای، تعیین کننده خط و مشی مردم آن است. از دیدگاه رهبری، مسائلی چون: ایمان، علم، دوری از تقلید صرف و توجه به ارزش ها از مهم ترین مؤلفه های این حوزه است.

یک) ایمان

«ایمان تابع تعریف انسان از زندگی و هدف آن است. رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می کند... باید هدفی را ترسیم کنیم و بدان ایمان بیاوریم... بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (بیانات در دیدار جوانان، ۲۳ / ۷ / ۱۳۹۱). ایشان تبیین هدف زندگی و ترسیم اهداف والا برای زندگی را از جوانان کشور می خواهند. (بیانات در دیدار جوانان، ۷ / ۲ / ۱۳۷۷)

بین بالا بودن ایمان و رضایت از زندگی، حتی در جوامع غربی، ارتباط مستقیم وجود دارد. از دیدگاه رهبری، افرادی دارای سلامت روانی هستند که دو ویژگی داشته باشند: از زندگی خود راضی باشند، دیگران از رفتار و اندیشه آنها احساس رضایت کنند.

سلامت روانی نیز باید دست کم در سه زمینه مشهود باشد: شغل فرد، ارتباطات اجتماعی و ارتباط با خانواده. ایمان با توجه به تأثیرات متنوع و گسترده ای که بر ذهن انسان دارد، قیافه جهان را در نظر انسان تغییر می دهد و جهان سرد مادی را به جهانی جاندار و آگاه تبدیل می کند. روشندلی، امیدواری به نتیجه خوب، آرامش خاطر، دوری از گناه، یاری خدا، استقامت و پایداری، عدم ترس و خوف، عدم شک و دودلی و داشتن ثبات و برخورداری از لذات معنوی، مهم ترین آثار ایمان در راستای نیل به سلامت روانی است. (بیانات در دیدار مردم رفسنجان، ۱۸ / ۴ / ۱۳۸۴)

دو) علم و آگاهی

«علم؛ عامل عزت، قدرت و امنیت ملت است» (بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶، ۰۶، ۱۲). «کشوری که دستش از علم تهی است، نمی تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد». (همان) رهبری، نقش علم را حتی در ساده ترین امور زندگی، مثل آرایش و پوشش نیز پررنگ قلمداد می کنند: «من می خواهم بگویم اگر شما موی سرتان را می خواهید آرایش کنید، لباس بپوشید، سبک راه رفتن را تغییر دهید، بکنید؛ اما خود انجام دهید؛ از دیگران یاد نگیرید» (بیانات در دیدار جوانان همدان، ۱۷ / ۴ / ۱۳۸۳)

سه) پرهیز از تقلید

یکی از مهم ترین دغدغه های رهبری، تلاش برای ساختن نسلی است که از تقلید کورکورانه

دور باشند: (بیانات در دیدار جوانان، 23 / 7 / 1391) «تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛... فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم و نابودکننده فرهنگ هاست. هر جا غربی ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند، بنیان های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت ها را تغییر دادند» (بیانات در دیدار مردم بیجار، 28 / 2 / 1388)

ایشان با تبیین ابعاد مختلف مهاجم فرهنگی می فرمایند: «من که می گویم مهاجم فرهنگی، عده ای خیال می کنند مراد من این است که مثلا پسری موهایش را بلند کند... مهاجم فرهنگی بزرگ تر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی توانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمی گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی یا پایه، یک نظریه علمی داشته باشید، خلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا، عده ای می ایستند و می گویند حرف شما... مخالف با نظریه فلانی است؛ یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند» (بیانات در دیدار جوانان همدان، 17 / 4 / 1383) آنگاه تفاوت تعامل و مهاجم فرهنگی را این گونه بیان می کنند:

«تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می روید و آنچه را که میلتان می کشد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می کنید و می خرید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد... در مهاجم فرهنگی به شما نمی گویند انتخاب کن، بلکه شما را می خوابانند، دست و پایتان را می گیرند و ماده ای را که نمی دانید چیست،... با آمپول به شما تزریق می کنند» (بیانات در دیدار دانشجویان قزوین، 26 / 9 / 1382) از دیدگاه رهبری اگر انسان از بند تقلید رهایی یابد، عنصری می شود که مثل یک ستون، سقف مدنیت کشور و تمدن حقیقی ملت بر روی آن قرار می گیرد. (بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان رشت، 12 / 2 / 1380)

چهار) توجه به نمادهای دینی

نمادها نوعی علامت است که بر اساس یک اندیشه یا احساس، ظهور و در فضای رفتاری، تأثیر خاصی ایجاد می کند. در اصل، نمادها که هویت بصری دارند، ابزار ارتباط ذهنی می شوند و به مرور، انفکاک و جداسازی فرد از نماد مشکل می شود. نمادها می توانند به مرور زمان بر اثر توجه، انسان را به سوی فضای مثبت یا منفی سوق دهند و این مطلب در حوزه دین به فراوانی یافت می شود. از دیدگاه رهبری، در حوزه دینی،

«شعائر» چنین فرایندی را در انسان ایجاد می کنند. دقت در رعایت شعائر و احترام و التزام به آنها، نشان از اثری است که فراتر از فضای مادی است. «مطلقاً نباید نشانه های اسلامی را تضعیف کرد: «وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲). بعضی ها به اسم اینکه ما اهل ریا نیستیم و نمی خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی، علامت های اسلامی، رفتار اسلامی و پرچم های اسلامی را از زندگی خودشان و مردم جمع می کنند. بنده مطلقاً این را توصیه نمی کنم.» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۰۸ / ۰۶ / ۱۳۸۴).

«می گویند چرا ماتم و اشک را در بین مردم رواج می دهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم نیست، برای ارزش هاست. آنچه پشت سر این عزاداری ها، بر سر و سینه زدن ها وجود دارد، عزیزترین چیزهایی است که در گنجینه بشریت ممکن است وجود داشته باشد؛ او همان ارزشهای معنوی الهی است.» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۸۶)

پنج) توجه به ارزش های فرهنگی و تاریخی

توجه به مقوله ارزش ها در شکل گیری تفکر انسان ها نقشی اساسی دارد. مقام رهبری این مقوله را در چند بخش تبیین فرموده اند:

معماری اسلامی: پیش از آنکه بنایی ساخته شود، بنا اسیر انسان است؛ اما پس از ساخت، انسان اسیر ساختمان است. به همین جهت، اگر در مرحله طراحی بر اساس فرهنگ خودی نقشه ای را طراحی کنیم، میان فرهنگ ما و فرهنگی که ساختمان بر ما تحمیل می کند، تناقضی پیش نخواهد آمد؛ اما اگر معماری بر اساس فرهنگ بیگانه و غیر خودی ساخته شود، میان فرهنگ ما و فرهنگ ساختمان، تناقض پیش خواهد آمد.

این تناقض در آغاز، مشکل ساز است؛ اما به مرور از فرهنگ فرد حساسیت زدایی شده، فرهنگ ساختمان چیره می شود. از دیدگاه رهبری، مهم ترین عنصر در معماری اسلامی، عنصر حیاست؛ تا جایی که ساختمان در معماری اسلامی به گونه ای طراحی می شود که حتی در صورت باز بودن در، اندرون خانه از بیرون قابل رؤیت نباشد. (بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان ها، 19 / 4 / 1374)

توجه به نمادهای بصری و جلوه های ظاهری در شهر، یکی از مهم ترین تأکیدات رهبری است؛ تأکیدی که در بر دارنده اهمیت پرداختن به شکل و چگونگی اجرای پروژه های عمرانی و پارامترهای معماری شهری متناسب با فرهنگ اسلامی شهروندان ایرانی می باشند (پیام آغاز به کار سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، 8 / 2 / 1386). شهر به عنوان لباس تمدن باید مملو از ظواهر و ارزش های تاریخی تمدن خود باشد. شهر باید نمونه اعلا هنر و فرهنگ ایرانی - اسلامی و سرشار از معنویت نهفته در ارزش های دینی ایرانیان باشد (پیام آغاز به کار شوراهای اسلامی شهر و روستا، 8 / 2 / 1378) و نمادهای انقلاب در معماری ها مشاهده شود. (بیانات در دیدار مردم قم، 18 / 8 / 1389) «در شهرک سازی ها علاوه بر اهمیت دادن به ساخت مسجد، حتما باید امکانات رفاهی، امنیتی و آموزشی مناسب برای آنها در نظر گرفته شود». (بیانات در دیدار مسئولان وزارت مسکن و شهرسازی، 25 / 3 / 1379)

توجه به زبان: زبان فارسی میراث فرهنگی ایرانیان است و رهبری با درک این مطلب از مانع تراشی دشمنان در پیشرفت این عنصر فرهنگی ایرانیان پرده برمی دارند (بیانات در دیدار با فرهنگیان کرمان، 12 / 8 / 1384) «من معتقدم یکی از کانال های کاملاً مطمئن فرهنگی ما، زبان فارسی است.» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، 17 / 11 / 1380) «اکنون زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری و تمدن عمیق اسلامی محسوب می شود» (بیانات در دیدار اعضای دومین مجمع بین المللی زبان فارسی، 12 / 12 / 1370) ایشان در ترسیم چشم انداز در این راستا می فرمایند: «آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد» (بیانات در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور، 30 / 1 / 1384). «ما احتیاج داریم که در کشورهای اسلامی به نحوی، در کشورهای فرنگی به نحوی و بقیه کشورهای دارای تمدن های قدیمی به نحوی، تشخیص فرهنگی و هویتی خودمان را تبیین و ابعاد آن را روشن کنیم. این کار ابزارهایی دارد که زبان فارسی یکی از این ابزارهاست.» (بیانات در دیدار رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، 21 / 5 / 1383) «در صد سال اخیر تلاش حساب شده ای علیه زبان فارسی از هند آغاز شد... و حرکت های گسترده ای برای محدود کردن زبان فارسی به عمل آمد. اما در عین حال، زبان فارسی با استواری و قدرت تمام پابرجا باقی مانده است.» (بیانات در دیدار جمعی از استادان ادبیات فارسی در کشورهای مشترک المنافع، 18 / 11 / 1372)

توجه به تاریخ: یکی دیگر از عناصر فرهنگی هر ملتی، تاریخ آن ملت است. «دهها سال دشمنان این ملت سعی کرده اند شناسنامه های تاریخی ما را پاره کنند... ما را با یک ملت بی ریشه اشتباه گرفتند... یک عده هم از میان خود ما متأسفانه فریب خوردند، قضاوت دشمن را درباره ملت ایران و درباره مردم ایران پذیرفتند» (بیانات در دیدار مردم یزد، ۱۳۸۶. ۱۰. ۱۲). ایشان هویت ملی را که از تاریخ و فرهنگ هر کشور نشأت می گیرد، اساس همه پیشرفت ها می دانند: «اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود، که آرمان های اساسی و اصولی، مهم ترین آنهاست... اگر یک کشوری همه پیشرفت ها را داشت، اما.. از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره ای نداشت و نبرده بود، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است». (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵ / ۸ / ۱۸) شش) الگوگیری از اهل بیت (ع)

یکی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی اسلامی، بازخوانی سبک زندگی پیشوایان و انبیای الهی است. مقام رهبری می فرمایند: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر (ص) تبعیت کنیم... جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر(ص) منطبق کند» (خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۰ / ۷ / ۵) ایشان حتی در بعد حکومتی نیز بر این باورند که حاکمان باید الگویی داشته باشند و بهترین الگو، حکومت علوی است (خطبه های نماز جمعه، ۱۳۸۰ / ۹ / ۱۶)

۲. مؤلفه های سبک زندگی دینی در حوزه خلیقات فردی از دیدگاه رهبری
دومین حوزه از حوزه های پنج گانه مورد تأکید مقام رهبری در سبک زندگی اسلامی، خلیقات فردی است که در این زمینه به مؤلفه های تأثیرگذار ذیل اشاره فرموده اند:
یک) لباس و پوشش

در هر جامعه ای، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر اینکه تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی است، تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر آن جامعه هم می باشد. مقام رهبری درباره ضرورت توجه به این مقوله می فرمایند: «بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیاید یک لباس ملی درست کنیم؛... من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟... البته من نمی گویم طرح این لباس حتما باید برگردد به لباس پانصد سال قبل؛ من می گویم بنشینید برای خودتان یک لباس طراحی کنید» (بیانات در دیدار جوانان همدان، ۱۳۸۳ / ۴ / ۱۷) ایشان با اشاره به طرح های دشمن در این زمینه می فرمایند: «کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله ای است که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۶ / ۱۰ / ۱۹) «در دنیا، سررشته فرهنگ دست عده ای است که آنها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و... اخلاق و معرفت را برای انسانهای بی گناه و بی خبر در سرتاسر عالم رقم می زنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است». (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸ / ۹ / ۱۵)

دو) خوراک و آشپزی

ضرورت توجه به این مقوله در قرآن نیز مورد تأکید است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴). مقام رهبری نیز شیوع بیماری های بی درمان و صعب العلاج و شیوع مرگ و میرهای

ناگهانی و سکنه را نتیجه دوری از اصول تغذیه اسلامی و سبک زندگی دینی می‌داند. به باور ایشان، بسیاری از انحرافات اخلاقی غیر قابل کنترل نیز می‌تواند حاصل دوری از اصول اساسی تغذیه در مکتب اسلام باشد، که باید هزینه های سنگین آن را پردازیم، در حالی که همین هزینه را می‌توان در راه توسعه رفاه عمومی و فرهنگی مصرف کرد. در اقتصاد مقاومتی این نوع نگاه مهم است که برای کاستن از هزینه های زاید باید دنبال راهکارهایی بود. یکی از بهترین راهکارها، توجه به اصول تغذیه است. (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، 1391 / 7 / 23) (سه سفر و تفریح

چگونگی گذراندن اوقات فراغت تا حدود زیادی می‌تواند نشان دهنده ویژگی های فکری فرد و ویژگی های فرهنگی جامعه ای باشد که فرد در آن زندگی می‌کند.

«... باید بتوان خواسته های جوانان و نوجوانان را مدیریت کرد و تفریحات سالم متناسب با گروه سنی شان را به آنان معرفی کرد. هر تفریحی که به حرام خدا نینجامد، تفریح سالم است. «(همان). «درس خواندن، پاکدامنی و پرهیز از سرگرمی های عاطل و باطل، جزء وظایف جوان هاست. «(بیانات در دیدار اعضای انجمن های اسلامی دانش آموزان، 1383 / 12 / 24) ایشان جوانان را از اسراف حتی در این حوزه از زندگی نیز برحذر می‌دارند و می‌فرمایند:

«کسانی هستند که حتی در کارهای تفننی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. مثلاً به خارج از کشور مسافرت می‌کنند... در این کشور به این بزرگی، خیلی ها همین تفریح و تفرج را هم نمی‌توانند بکنند. بعضی ها تا دستشان به دهانشان می‌رسد، برای تفریح و تفرج خودشان یا خانواده هایشان، به فلان کشور خارجی می‌روند. اینها اسراف قطعی و حرام است.» (خطبه های نماز جمعه، 1377/ 10 / 4)

(چهار اصلاح الگوی مصرف

رهبر انقلاب، ضمن تشریح زمینه های تغییر و تحول جدی در جامعه و با اشاره به موضوع «اسراف های شخصی و عمومی» و مصرف بی رویه منابع کشور، مسئولان قوا و مردم را به برنامه ریزی و حرکت در مسیر اصلاح الگوی مصرف دعوت کردند. فهم الگوی مصرف، آسیب شناسی و بهینه سازی آن، با در نظر گرفتن سبک زندگی طبقات مختلف جامعه میسر می‌شود. (سخنرانی در حرم رضوی، 1374 / 1 / 4) ایشان اشرافی گری و مصرف بی رویه را یک بیماری (بیانات در دیدار مردم یزد، 1386 / 10 / 12) و دارای تبعات منفی فرهنگی برای کشور می‌دانند (سخنرانی در حرم رضوی، 1388 / 1 / 1) و می‌فرمایند: «صرفه جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ به معنای ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.» (همان)

۳. مؤلفه های سبک زندگی دینی در حوزه خانواده از دیدگاه رهبری

اهمیت و تقدس خانواده در اسلام از تأکیدهایی که در روایات بر تشکیل خانواده وارد شده، قابل اثبات است. در این حوزه نیز مؤلفه هایی چند مورد توجه رهبری است.

(یک ازدواج

در مسئله ازدواج، امر نخست، سن ازدواج است. رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «سنین ازدواج، نه به آن شوری شور باید باشد که بعضی ها فکر کردند باید در سنین کاملاً جوانی زودرس باشد... ، نه هم به آن بی نمکی که غربی ها انجام می‌دهند و در سن سی، چهل سالگی ازدواج می‌کنند» (بیانات در دیدار جوانان، 1377 / 2 / 7). مسئله دوم، سهولت ازدواج است. ازدواج باید امری آسان باشد، نه امری دشوار، پرهزینه و خارق العاده. (همان) امر سوم، لزوم حذف برخی از قید و بندهای باطل در ازدواج است: «اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام ازاله کرده، دور و پاک باشد و به آن سنت هایی که اسلام

بنیانگذاری کرده است، آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر اسلام (ص) و رهبر عظیم الشان بشریت خواهد شد.» (خطبه عقد، 22 / 1 / 1374)

«بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا(س) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود.... آنهایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند، ببینید چطوری ازدواج کردند؟... همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود؛ مثلاً هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر(ص) بالاتر بودند؟ از دختر پیامبر(ص) تقلید کنید» (خطبه عقد، 17 / 2 / 1375). ایشان در تبیین معیارهای یک ازدواج خوب می فرمایند: «بعضی خیال می کنند که تشریفات و توی هتل چنین و چنان رفتن، سالن های گران گرفتن، خرج های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می کند. نخیر؛ عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوا و پاکدامنی و بلندنظری آنهاست» (خطبه عقد، 18 / 9 / 1375) ایشان درباره لزوم حذف برخی از تشریفات مضر از مسیر ازدواج جوانان می فرمایند: «از بعضی ها وقتی می پرسیم که شما چرا برای دو نفری که می خواهند زندگی بکنند، بازار را می خواهید خالی کنید که جهیزیه برای خودتان درست کنید؟ می گویند: خب ما داریم. چون داریم می خواهیم بکنیم. آیا این استدلال کافی است؟ این استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند، بتواند.» (خطبه عقد، 5 / 8 / 75) (دو روابط خانوادگی

اگر جامعه به افرادش وابسته باشد، افراد نیز به خانواده خویش وابسته اند. دانش های انسانی امروز به دو دسته دانش های مربوط به انسان و دانش های مربوط به اجتماع تقسیم می شوند. این تقسیم بسیار ناقص است و همه شئون زندگی مادی انسان را در بر نمی گیرد؛ چرا که خانواده در آن دیده نشده است. باید گفت که دانش های انسانی باید بر سه دسته روان شناسی، خانواده شناسی و علوم اجتماعی تقسیم شود. این تقسیم بندی در دانش فلسفه اسلامی در نظر گرفته شده است که در آن، پس از تقسیم علم به نظری و عملی، دانش عملی را به سه قسم روان شناسی (اخلاق)، جامعه شناسی (سیاست مدن) و تدبیر منزل تقسیم می کنند که متأسفانه علم تدبیر منزل از یادها رفته و روان شناسی بار آن را بر عهده گرفته است. پس اولین گام در این راستا، احیای علم خانواده شناسی است تا در این بستر بتوان راهکاری نظام مند برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی ارائه داد. مقام رهبری می فرمایند: «آن کشورهایی که در آن خانواده دارد ضایع می شود، در واقع پایه های مدنیت آنها دارد می لرزد و نهایتاً فروخواهد ریخت» (خطبه عقد، 9 / 11 / 1376)

آنگاه برای رفع این معضل می فرمایند: «همت مهمتان باید این باشد که واقعا از کار زن گره گشایی کنید؛ یکی از مهم ترین گره ها در خانواده است.» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، 4 / 10 / 1370) ایشان بر مبنا قرار گرفتن خانواده در همه مسائل کشور تأکید (همان) و به لزوم کیفیت بخشی به حضور زنان در خانواده ها اشاره می کنند و به زنان توصیه می فرمایند که خانواده را فدای شغل های اجرایی بیرون از خانه نکنند (همان).

ایشان برای حل بحران زن در جهان، دو اقدام ضروری را متذکر می شوند: نخست درست فهمیدن جایگاه زن در جامعه و دوم، درست فهمیدن جایگاه خانواده (بیانات در دیدار بانوان نخبه، 3 / 1 / 1390) «نظر اسلام در باب جایگاه زن در خانواده، خیلی روشن است: المرأة سيدة بيتها» (پاینده، ۱۳۸۵: ۶۱۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۲)؛ جایگاه زن در خانواده، همانی است

که در گفتارهای گوناگون ائمه (ع) آمده است: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). قهرمان یعنی: کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ گل خانه است... اینها نظرات اسلام است... و تحقق خواسته اسلام در خانواده، احتیاج به پشتوانه قانونی و ضمانت اجرایی دارد و این کار باید انجام بگیرد». (بیانات در دیدار بانوان نخبه، 1390 / 1 / 3)

(سه) حد زاد و ولد

مدتی است که در فیلم ها، مجموعه های ورزشی و غیره در غرب، روی بحث خانواده، فرزند و جمعیت تأکید زیادی می شود. مراسم اهدای جام در مسابقات ورزشی و حضور کودکان و فرزندان بازیکنان در زمین، شاید نوعی تبلیغ خانواده مداری و سوق دادن شهروندان اروپایی به سمت تشکیل خانواده و تولید مثل است. نگاه جامعه به گروه های مرجعی همچون بازیگران سینما، بازیکنان فوتبال، خوانندگان و هنرمندان در غرب، منجر شده است تا سیاستگذاران غربی توجه ویژه ای برای نقش آفرینی آنها در افزایش جمعیت داشته باشند. یکی از مؤلفه های قدرت، جمعیت کشور محسوب می شود. رهبر انقلاب با اشاره به ضرورت کثرت جمعیت می فرمایند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، 1390/ 5/16). ایشان با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست های جمعیتی می فرمایند:

«در اوایل دهه ۷۰، اجرای این سیاست بنابر مصالحی صحیح بود، اما ادامه آن در سال های بعد خطا بود.» (همان). «کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛... یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است؛ در این سیاست تجدید نسل حتما بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد». (بیانات در دیدار مسئولان نظام، 1391/ 5 / 3)

۲. مؤلفه های سبک زندگی دینی در حوزه خلیات اجتماعی از دیدگاه رهبری

مقام رهبری، در حوزه فرهنگ زندگی جمعی نیز مؤلفه هایی را برای سبک زندگی اسلامی تبیین فرموده اند که این مؤلفه ها را ذیل دو عنوان انضباط اجتماعی و قانون مداری می توان گرد آورد.

(یک) انضباط اجتماعی

در مسئله انضباط اجتماعی، تأکید بر اصلاح رفتارهای غلط اجتماعی، از قبیل فرهنگ نادرست رانندگی، فرهنگ نادرست آپارتمان نشینی و... است (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، 1391/ 7 / 23) ایشان با اشاره به تأثیر رفتارهای تک تک افراد جامعه در دیگران می فرمایند: «آنچه که ما در تحول همراه با پیشرفت، مورد نظرمان است، مبارزه با فقر، تبعیض، بیماری، جهل، ناامنی، بی قانونی، مدیریت ها را به سطح علمی تر ارتقا دادن، انضباط اجتماعی، رشد امنیت و... است» (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، 1385 / 8 / 18).

ایشان می فرمایند: «باید کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند،... برای دمیدن دو روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه ریزی کنند». (پیام نوروزی، 1 / 1 / 1374).

(دو) قانون مداری

قانون از دیدگاه رهبری، از اغتشاش جلوگیری می کند (بیانات در اجتماع مردم قم، 14 / 7 / 1379) قالب عملکرد همگان است (بیانات در دیدار دانشجویان قزوین، 26 / 9 / 1382) و حتی قانون بد، از بی قانونی بهتر است (بیانات در دیدار مردم قم، 19 / 10 / 1390) قانون، معیار و

شاخص عدل است (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، 7 / 4 / 1388) «توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانونگذاری و به همه آحاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی تواند به طمع ورزی خود ادامه دهد». (بیانات در اجتماع مردم قم، 14 / 7 / 1379).

۵. مؤلفه های سبک زندگی دینی در حوزه کسب و کار از دیدگاه رهبری یکی دیگر از حوزه هایی که در سبک زندگی باید بدان توجه شود، حوزه کسب و کار است. در این حوزه، ایشان بر دو عنصر وجدان کاری و توجه به کار جمعی تأکید فراوان دارند. (یک وجدان کاری

رهبر انقلاب از مسئولان می خواهد به مسئله ساعات مفید کار توجه و کار را برای مردم به عنوان یک عبادت ترسیم نمایند) (بیانات در دیدار مسئولان نظام، 16 / 5 / 1390). ایشان کار را عمل صالح (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان، 14 / 2 / 1387) و وجدان کاری را یک ضرورت قلمداد می کند (دیدار کارگران و معلمان، 10 / 2 / 1376) و در بیان علائم تحقق وجدان کاری می فرمایند: «اگر تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد؛ کارهای اجتماعی، اداری و اقتصادی، روان تر و آسان تر شده؛ اجناس مورد استفاده مردم فراوان تر باشد، نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما بیدار شده است». (پیام نوروزی، 1 / 1 / 1374)

(دو توجه به کار جمعی

اسلام، مسلمانان را به تعاون و همکاری فرا می خواند) (مآئده: ۵). کارشناسان علوم اجتماعی بر این باورند که مهم ترین عامل توسعه در هر کشوری، ابزار، فناوری و پول نیست، بلکه نیروی انسانی است که اتحاد و همکاری این نیروها می تواند موانع پیشرفت و آبادانی را سریع تر و با زحمت کمتری از سر راه بردارد. رهبر انقلاب بی توجهی به کار جمعی را یکی از عیوب ملت ایران می داند (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، 13 / 11 / 1388) «کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند». (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه های خراسان شمالی، 20 / 7 / 1391)

د) خلاصه و نتیجه

- از آنچه گفته شد، مطالب ذیل را به عنوان خلاصه و نتیجه می توان برداشت کرد:
- سبک زندگی از دیدگاه مقام رهبری، همان عقل معاش است که نرم افزار تمدن اسلامی است.
 - مؤلفه های تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی، از دیدگاه رهبر انقلاب در پنج حوزه فکر و اندیشه، خلیات فردی، خانواده، خلیات اجتماعی و کسب و کار دسته بندی می شود.
 - در حوزه فکر و اندیشه، مؤلفه هایی مثل ایمان، علم و آگاهی، پرهیز از تقلید، توجه به نمادهای دینی و توجه به ارزش های فرهنگی و تاریخی باید مورد توجه قرار گیرند.
 - در حوزه خلیات فردی، مؤلفه هایی مثل لباس و پوشش، خوراک و آشپزی، سفر و تفریح و الگوی مصرف باید اصلاح شوند.
 - در حوزه خانواده، مؤلفه هایی مثل سبک ازدواج، سبک روابط اجتماعی در درون خانواده و سبک تولید مثل باید اصلاحات جدی را به خود ببیند.
 - در حوزه خلیات اجتماعی، به مؤلفه هایی مثل انضباط اجتماعی و قانون مداری باید توجه کرد.
 - در حوزه کسب و کار نیز به دو عامل وجدان کاری و روحیه کار جمعی باید توجه جدی داشت.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. تحقیق: سیدهاشم میلانی (۱۴۲۳ ق). نجف اشرف: العتبه المقدسه العلویه.
- آجیلی، هادی و مهدی بیگی (۱۳۹۲). «کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه داری». فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال چهارم، ش ۱۳: ۸۱-۱۱۰.
- باکاک، روبرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.
- باینگانی، بهمن؛ فهیم ایراندوست و سینا احمدی (۱۳۹۲). «سبک زندگی از منظر جامعه شناسی؛ مقدمه ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی». مهندسی فرهنگی، ش ۷۷: ۷۴۵۶.
- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری؛ به نشانی: www.khamenei.ir
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). رهگشای انسانیت «نهج الفصاحه». ترجمه ابراهیم احمدیان. قم: گلستان ادب.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۳). نظریه های جامعه شناسی. تهران: سمت، چ چهارم.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۴). افسون زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فروزان، چ چهارم.
- شریعتی، سید صدرالدین (۱۳۹۲). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات». فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ش ۱۳: ۱۰۱.
- شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- صفار هرنندی، سجاد (۱۳۸۹). «سبک زندگی چند سال دارد؟ تاریخچه تولد مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی». سوره اندیشه، ش ۴۶: ۶۱-۶۰.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۱). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی». مطالعات اجتماعی و رسانه، ش ۲: ۳۴۹.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- متقی هندی (۱۴۱۹ ق). کنزالعمال. تحقیق محمود عمر الدمیاطی. بیروت: بی نا.
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدی زاده، حسین (۱۳۹۰). «... و سبک زندگی». نشریه سوره اندیشه، ش ۵۰: ۵۹۵۷.
- هادوی، اصغر (۱۳۹۱). «آغاز سبک زندگی اسلامی از خراسان شمالی». پاسدار اسلام، ش ۳۷۲: ۴۲-۴۳.

پی نوشت ها

- [1].Huntington
- [2].Americanization
- [3].AlfredAdler
- [4].Giddens
- [5].Featherstone
- [6].MaxWeber
- [7].Simmel

